



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در روایاتی بود که در باب سیزده از ابواب جهاد العدو وسائل الشیعة ذکر شده اند و مخالفین قیام و تأسیس حکومت اسلامی در زمان غیبت به آنها استدلال کرده اند، چند خبر از این باب سیزدهم را خواندیم و اما خبر ششم این خبر است: **وَعنه، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن حماد بن عيسى، عن الحسين بن المختار، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كل راية ترفع قبل قيام القائم فصاحبها طاغوت يعبد من دون الله عز وجل**^۱.

حسین بن مختار محل بحث است منتهی مرحوم مامقانی در تنقیح المقال وثاقتش را ثابت کرده لذا حدیث از لحاظ سند صحیح است و حرفی ندارد.

اگر کلمه "کل" که از ادات عموم است عام استغراقی بگیریم شامل تمام قیام ها قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام می شود منتهی وقتی به خارج و صحنه زندگی مردم نگاه می کنیم می بینیم که از طرفی قیام های باطل فراوانی صورت گرفته است مثل قیام های سلاطین و جباران که همگی طاغوت و ظالم بوده اند و از طرفی نیز قیام های حقی صورت گرفته است مثل قیام زید بن علی بن الحسین علیهما السلام که در خبر اول همین باب ذکر شده و امام صادق علیه السلام قیام او را تأیید و تصدیق کردند و یا مثل جریان کربلاء و قیام حضرت سید الشهداء علیه السلام و یا مثل قیام شهداء فخر که در زمان امام موسی کاظم علیه السلام

توسط حسین بن علی بن حسن بن حسن که از اولاد امام مجتبی علیه السلام بوده صورت گرفته و حتی قبل از وقوعش پیغمبر و امام صادق علیهما السلام از آن خبر داده و گفته بودند که از ما افرادی در فخر شهید خواهند شد، حسین بن علی صاحب قیام فخر که از اولاد اهل بیت علیهم السلام و بسیار جلیل القدر بوده در زمان موسی هادی برادر هارون الرشید که خیلی ظالم و ستمگر بوده در مدینه قیام کرد و با تعداد زیادی آنجا را تصرف کرد و به سمت مکه آمد و قصد تصرف مکه را داشت که موسی هادی یک لشکری از بغداد فرستاد و در فخر با هم برخورد کردند و حسین بن علی صاحب فخر و یارانش همگی شهید شدند و سرهای آنها به نیزه زده شد و جنازه های آنها سه روز روی زمین ماند و اهل و عیال آنها به اسارت گرفته شدند و بعد آنها را به همراه سرهای بریده بردند بغداد نزد موسی هادی خلاصه این جریان قیام شهداء فخر که خیلی به جریان کربلاء شباهت دارد و در کتاب مقاتل الطالبیین مفصل بیان شده است یکی از قیام های برحق می باشد بنابراین ما اگر طبق خبر مذکور بگوئیم "کل راية ترفع قبل قيام القائم فصاحبها طاغوت" از قیام زید و قیام شهداء فخر که مورد تأیید و تمجید ائمه علیهم السلام بوده چه جوابی می توانیم بدهیم؟ پس ناچاریم خبر مذکور را توجیه کنیم، بعلاوه آیات و روایات فراوانی داریم که گفته اند شما امر به معروف کنید و نهی از منکر کنید و در برابر ظلم قیام کنید و همچنین در تاریخ قیامهای دیگری داریم مثل قیام سرداران بعد از حمله مغل در سبزواری به رهبری خواجه علی که تقریباً توانست در یک منطقه جغرافیایی حکومت اسلامی تشکیل بدهد و حتی برای شهید اول نامه نوشت که ما اینجا حکومتی داریم و نیاز به یک رهبر داریم اما شهید اول نتوانست پیش آنها برود و کتاب لمعه را برای آنها نوشت و فرستاد

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۷، ابواب جهاد العدو، باب ۱۳، حدیث ۶، ط الاسلامیة.

خداوند و نبوت به بحث امامت می رسد و اینطور می گوید: «فالحاجه الی هذا الانسان فی أن یتقی نوع الانسان و یتحصل وجوده أشد من الحاجه الی انبات الشعر علی الحاجین و تقعیر الأخص من القدمین و اشیاء اخرى من المنافع التي لا ضروره الیها فی البقاء بل اکثر ماها أنها تنفع فی البقاء»، خلاصه ولایت فقیه از نظر مدرک بسیار غنی است و مسئله کاملاً روشن و واضح می باشد.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

و اینها بودند تا اینکه تیمور سرکار آمد و آنها را از بین برد و خواجه علی را اسیر کرد و با خود برد تا اینکه در راه بیمار شد و فوت کرد خلاصه این مورد نیز یکی از قیام های برحق بوده که بر خلاف روایت مذکور می باشد، و قبلاً گفتیم که در مقدمه صحیفه سجادیه نیز همین حرف (کل رایة ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت) ذکر شده است البته در سند روایت چند نفر مجهول الحال هستند که توثیق نشده اند علی ای حال ما ناچاریم در توجیه این اخبار بگوئیم با توجه به قیام های برحق که صورت گرفته و مورد تایید ائمه علیهم السلام نیز بوده و همچنین با توجه به آیات قران و روایاتی که در مورد امر به معروف و نهی از منکر و قیام در برابر ظالم داریم باید عرض کنیم که این روایات کلیت ندارند بلکه فقط به قیام های باطل در مقابل حق نظر دارند که امام صادق علیه السلام در خبر اول باب به آنها اشاره کردند.

خبر هفتم از باب سیزده این خبر است: ﴿وعنه، عن أحمد، عن علي بن الحكم، عن أبي أيوب الخزاز، عن عمر بن حنظلة قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: خمس علامات قبل قيام القائم: الصيحة، والسفياي، والخسف، وقتل النفس الزكية، واليماني، فقلت: جعلت فداك إن خرج أحد من أهل بيتك قبل هذه العلامات أخرج معه؟ قال: لا الحديث﴾^۲.

خبر سنداً صحیح می باشد.

بنده قبلاً عرض کردم که کمتر مسئله ای به اندازه ولایت فقیه درایم که از نظر منابع غنی باشد، ولایت فقیه یک موضوع فلسفی، کلامی، قرانی، روائی، فقهی و تاریخی می باشد خب کدام مسئله است که انقدر مدرک داشته باشد؟ ابن سینا در الیهات شفاء بعد از بعد وحدانیت

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۳۷، ابواب جهاد العدو، باب ۱۳، حدیث ۷، ط الاسلامیة.